

یک انتخاب و دو منشور اعجاب آور!

■ با وجود محدودیت هایی که برای تبلیغات انتخاباتی ایجاد شده، آیا می توان

انتظار داشت که در ۱۸ خرداد انتخابات پرشوری داشته باشیم؟

■ برای من مسلم است که آقای خاتمی در دور اول انتخاب خواهد شد و کار به

دور دوم نخواهد رسید

دکتر انورخامه ای

چهار سال پیش، در چنین روزهایی (اول خرداد) مردم تهران و شهرهای بزرگ و حتی سراسر کشور، شاهد انتخاباتی پر جنبش و جوش و تبلیغاتی پر شور و احساسات بودند. تمام خیابان ها آکنده از پلاکاردهای انتخاباتی بود. تمام مغازه ها و فروشگاه ها مزین به پوسته های رنگارنگ نامزدها و تصاویر بزرگ و کوچک آنها بودند که عکاسان زبردست از زاویه های گوناگون گرفته بودند. تمام درها و دیوارها و حتی درخت های کنار خیابان ها پر از شعارهایی بود که مرد و زن و پیر و جوان را به رأی دادن تشویق می کرد. اگر برای کار یا گردشی از خانه بیرون می رفتی، ساعتی بعد با توبره ای مملو از آگهی های تبلیغاتی از صدها شکل و رنگ و قطع و جنس و تعداد صفحات به خانه باز می گشتی که نه فرصت مطالعه تمام آنها را داشتی و نه ضرورتی برای آن می یافتی، چون از پیش، نامزد و کاندیدای دلخواه خود را انتخاب کرده بودی و می دانستی به کی رأی خواهی داد. برنامه های انتخاباتی تلویزیونی که در آن چهار نامزد در صلاحیت نشده با هم به بحث می نشستند، چنان مشتری پیدا کرده بود که بعد از زمان انقلاب تا آن هنگام، چنان رویکردی را هرگز به خود ندیده بود.

کاندیداها، به ویژه دو کاندیدای عمده، نیز خاطری آسوده نداشتند و مانند دیگر مردم نگران سرنوشت انتخابات بودند که برای طرفداران هر دو جناح اهمیت حیاتی داشت. ده ها ستاد انتخاباتی طرفین، تمام ساعات شبانه روز در فعالیت و جنب و جوش بودند و با تمام وسایل و روش ها برای پیروزی کاندیدای خود می کوشیدند. خبرنگاران و نمایندگان تمام خبرگزاری های جهان به تهران آمده و میان این ستادها در رفت و آمد بودند. یکی از این خبرنگاران شگفت زده گزارش داده بود که در ستاد یکی از نامزدها چنان دم و دستگاه و وسایل پذیرایی باشکوه و گرانبهایی دیده، که در هیچ انتخابات دیگری در هیچ جای دنیا نظیر آن

را مشاهده نکرده است. بعضی خبرگزاری ها خبر از میلیاردها تومان که خرج انتخاب یکی از نامزدها شده بود، می دادند.

آیا امسال هم چنین انتخابات پر جنب و جوش و پر رنگ و رونقی خواهیم داشت؟ تا آنجا که از ظاهر امر و داده های موجود می توان به آینده نگری پرداخت، پاسخ این سؤال چندان امیدبخش نیست. دلایل زیر را می توان برای تأیید این ادعا ذکر کرد:

۱- تعداد نامزدهای رد صلاحیت نشده خیلی بیشتر و متنوع تر از دوره گذشته است. گرچه ظاهراً این افزایش باید باعث بیشتر شدن تبلیغات و فعالیت انتخاباتی شود، اما چون تمرکز یا ائتلافی میان آنها ظاهراً به چشم نمی خورد و تبلیغات انتخاباتی در دو یا سه قطب متمرکز نشده، بلکه به طور فردی انجام می گیرد، شدت و وسعت آن کمتر خواهد بود.

۲- منفرد بودن نامزدها. بجز آقای سید محمد خاتمی که از طرف تمام تشکل ها و سازمان های جبهه دوم خرداد پشتیبانی می شود و ظاهراً کاندیدای واحد همه آنهاست، سایر نامزدها منفردند و از طرف هیچ حزب یا جمعیتی یا تشکلی معرفی نشده اند. طبیعی است قدرت تبلیغاتی یک فرد بسیار کمتر از یک سازمان و یک تشکل است.

۳- آقای خاتمی برخلاف دوره پیش نیاز زیادی به تبلیغات ندارد چون شخصی شاخص و شناخته شده است. تشکل ها و گروه هایی هم که از ایشان پشتیبانی می کنند، نیاز چندانی به چنین تبلیغاتی نمی بینند و اگر تبلیغاتی بکنند بیشتر تشریفاتی و خودی نشان دادن خود خواهد بود.

۴- تبلیغات خرج دارد و بنیه مالی قوی می خواهد. نه نفر نامزد منفرد دیگر، بجز آقای عبدالله جاسبی هیچکدام از پشتوانه مالی زیادی برخوردار نیستند. شکی نیست که بعضی از آنها با تشکل هایی پیوند دارند و از حمایت مالی آنها استفاده خواهند کرد. اما چون این حمایت علنی نیست و پشت پرده است، وسعت زیادی

نمی تواند داشته باشد.

۵- ممنوعیت ها و محدودیت هایی که از طرف ستاد انتخابات کشور اعلام شده و جنبه قانونی دارد به شرح

زیر:

الف) تبلیغ له یا علیه نامزدهای ریاست جمهوری از میز خطابه نماز جمعه یا هر وسیله دیگری که جنبه رسمی و دولتی دارد.

ب) فعالیت (تبلیغاتی له یا علیه نامزدها) کارمندان در ساعات اداری.

ج) استفاده از وسایل و سایر امکانات وزارتخانه ها و ادارات، شرکت های دولتی و مؤسسات وابسته به دولت و نهادها و مؤسساتی که از بودجه عمومی به هر مقدار استفاده می کنند و در اختیار گذاشتن وسایل و امکانات مزبور.

د) استفاده از هرگونه پلاکارد (جز در محل ستاد انتخاباتی) دیوارنویسی و کاروان های تبلیغاتی و استفاده از بلندگوهای سیار در خارج از محیط سخنرانی.

توصیه های عبرت آموز!

افزون بر این ها، بعضی تشکل ها و شخصیت ها نیز توصیه هایی کرده اند که اجرای آنها اگرچه ممکن است به صحت انتخابات کمک و از مخدوش شدن آن جلوگیری کند، اما موجب محدودیت تبلیغات انتخاباتی و مانع تشویق مردم به استقبال از آن می شود. من جمله جناب آقای مهندس مصطفی میرسلیم وزیر اسبق ارشاد، که جامعه ناشران، مؤلفان و مطبوعاتیان اقدامات گسترده و مجدانه ایشان را در این سمت، سال های سال از یاد نخواهند برد، منشوری در این زمینه تهیه و در روزنامه اطلاعات (۳۰ اردیبهشت ۸۰) منتشر فرموده اند که مآخلاقه ای از آن را به نظر خوانندگان می رسانیم. ایشان عناصری را که در انتخابات مؤثرند به چهار دسته تقسیم و وظایف هر یک را معین کرده اند؛ این چهار بخش عبارتند از:

۱- دولت، ۲- نامزدها، ۳- گروه های سیاسی و

رسانه‌ها و ۴- مردم

در مورد دولت توصیه‌های ایشان عبارت است از: الف) امانتداری و اینکه "کوچکترین شبهه‌ای در صحت فرایند اخذ رأی، شمارش آراء و رسیدگی به شکایات نباید پدیدار شود." که البته توصیه‌ای بسیار بجاست و بر منکرش لعنت. اما ما نفهمیدیم چرا ایشان این وظیفه مهم را فقط از دولت خواسته و این بار را فقط به دوش "مجریان انتخابات" و "فرمانداران" گذاشته‌اند. چون تاجایی که ما می‌دانیم سهم شورای محترم نگهبان اگر از دولت و مجریان بیشتر نباشد، کمتر نیست.

ب) دولت باید امکانات اجرای انتخابات را "چه به لحاظ بودجه و اعتبارات و چه به لحاظ وسایل و تجهیزات فراهم آورد." و اگر از بخش خصوصی کمکی خواست "باج گیری است و جرم تلقی می‌شود" و مستحق دادرسی و کیفر است! تا آنجا که ما اطلاع داریم مخارج انتخابات همیشه از بودجه دولت تأمین شده و اگر احیاناً از لحاظ محل رأی گیری از مساجد، حسینیه‌ها یا کارخانه‌ها استفاده شده، با رضایت کامل متصدیان و مالکان آنها بوده است.

ج) عوام فریبی - دولت نباید "در ایام نزدیک به انتخابات مبادرت به توزیع برخی کالاها و برطرف کردن بعضی نیازهای ضروری مردم" بکند و باید هرآنچه بوی تبلیغ را به نفع نامزد بر خاسته از دولت موجود می‌دهد و به هدف جلب عوام فریبانه آرا مردم بدان مبادرت می‌شود، رفع گردد".

یعنی اگر بخش چند گرم روغن نباتی یاده - بیست کیلو برنج که یارانه مردم محروم است، تصادف به ایام انتخابات پیدا کرد، نباید تا پایان انتخابات توزیع شود و الا عوام فریبی و برای جلب آراء مردم است!! همچنین اگر شبکه برق عیب و علتی پیدا کرد و برق و آب خانه‌ها و مؤسسات (ضروری ترین نیازهای آنها) قطع شد، دولت باید تا پایان انتخابات دست روی دست بگذارد، و در رفع آن نکوشد، و الا عوام فریبی کرده است!!

د) تمام اعضای دولت به ویژه رییس جمهور، وزراء و معاونان رییس جمهور، معاونان و مشاوران وزراء، مدیران کل و رؤسای ادارات در رده‌های مختلف، دسترسی به تسهیلات و اختیاراتی دارند که می‌تواند مستقیماً خرج نامزدهای ریاست جمهوری شود، یا در برابر سوءاستفاده از مقام، اقتدار و بیت المال برای تشکیل و تقویت ستادهای انتخاباتی یا تبلیغ در آنها با تسامح برخورد شود، "اینها هم البته ممنوع است و موجب ابطال انتخابات و مستحق کیفر!! در این منشور به طور شفاف مشخص نکرده‌اند این تسهیلات و

اختیارات از چه نوع و چه سیغی است. چون جنبه مالی و تجهیزاتی اختیارات دولتیان که قبلاً در بند ب و ج) گفته شده است، بنابراین می‌ماند دادن اجازه مرخصی استحقاقی یا استعلاجی که قانوناً حق هر کارمندی است و مافوقش نمی‌تواند او را از آن محروم کند، ولو کارمند از آن برای دادن رأی به نامزد مورد علاقه‌اش یا تبلیغ برای او استفاده کند. من به یاد ندارم در پنج دوره انتخابات این همه محدودیت برای دولت و دولتیان قایل شده باشند!! چرا تمام این محدودیت‌ها فقط برای دولت و دولتیان؟! چرا نویسنده محترم این منشور مؤسسات غیردولتی مانند بنیادها، شرکت‌های خصوصی، کارخانه‌های خصوصی و کارفرمایان آنها را آزاد گذاشته‌اند و فقط بقیه دولت را جسیبیده‌اند؟!

باری در این منشور برای هر یک از آن سه عنصر دیگر یعنی نامزدها، گروه‌های سیاسی و رسانه‌ها و مردم، و وظایف و تکالیفی معین کرده‌اند که اگر بخواهیم به بررسی همه آنها بپردازیم، مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود.

منشوری با ده قاعده!

اکنون، با این همه محدودیت‌ها آیا انتظار دارید صحنه‌های پرشکوه انتخابات چهارسال پیش بازم تجدید شود؟! به هر حال، چه امید داشته باشیم، چه نداشته باشیم، آرزو می‌کنیم آن روزهای پر جنب و جوش و پرتلاش یکبار دیگر تکرار شود. اینک به آینده نگری نسبت به نتایج انتخابات بپردازیم و با داده‌هایی که در دست داریم، درباره پایان کار انتخابات پیش گویی کنیم.

در اینجا نیز ما با مفاوضات یک نویسنده آنهم درباره یک منشور دیگر روبه روییم، منتها این منشور با آن یکی بکلی متفاوت است. اگر منشور اول از نوع حقوقی و سیاسی بود، این یکی از نوع ریاضی و مهندسی است. تعجب نکند! در انتخاباتی که از میان بیش از هشتصد داوطلب، فقط به ده نفرشان حق شرکت در رقابت انتخاباتی داده می‌شود، بوقیه رد صلاحیت می‌شوند، چه اشکالی دارد که یک آینده نگری نتیجه انتخابات را به صورت ریاضی و مهندسی بیان و مجسم کند. این آقای آینده نگر، محبیان نام دارد و معتقد است که نتیجه انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران همچون منشوری است که قاعده آن یک ده ضلعی منظم است که در هر یک از رؤس آن فعلاً (پیش از رأی گیری) یکی از ده نامزد رد صلاحیت نشده قرار دارند. در جریان رأی گیری و خواندن و شمارش آراء هر یک از این نامزدها در امتداد خطالرأسی از منشور که در پای آن قرار دارند، شروع به بالا رفتن می‌کنند و در پایان شمارش آراء، آنها در رؤس یک ده

ضلعی غیرمنظم که قاعده فوقانی منشور را تشکیل می‌دهند، قرار دارند، از میان این ده نفر، دو نفر که در سطح بالاتری از رؤس دیگر واقعند، به دور دوم انتخابات راه خواهند یافت.

اگر از آقای محبیان بپرسید چرا منشور منظم القاعده‌ای را برای نشان دادن رقابت انتخاباتی برگزیده است، احتمالاً می‌گوید چون به نظر من، این ده نفر هیچ تفاوت بنیادی از جهت صلاحیت برای ریاست جمهوری باهم ندارند. همچنین اگر از او سؤال کنید که آیا آقای رییس جمهور فعلی جزو آن دو نفری که به دور دوم راه خواهند یافت، خواهد بود یا نه، ممکن است پاسخ دهد که امکان دارد باشد، اما شانس بیشتری از هیچ یک از نه نفر دیگر ندارد!

خوب این یک نظر است. ایراد من به آن اینجا است که فرض بنیادی آن، یعنی برابری این ده نامزد نه از نظر ارزش شخصی آنها درست است و نه از جهت وجهه‌ای که در میان رأی دهندگان دارند. بعضی از این نامزدها برای مردم تقریباً ناشناخته‌اند و شناخت مردم از آن دیگران هم از نظر کمی باهم تفاوت فراوان دارد. آقای خاتمی را تقریباً تمام شصت و چند میلیون جمعیت ایران و حتی تمام ایرانیان خارج از کشور می‌شناسند. بعضی دیگر کم و بیش برای قشرهای معینی شناخته شده‌اند. یکی دو نفر از آنها اصلاً شناخته شده نیستند. همچنین این شناخت مردم از نامزدها از نظر کیفی بسیار باهم تفاوت دارد. از این رو خوش بینی و بدبینی رأی دهندگان نسبت به آنها بسیار متفاوت است. تبلیغات انتخاباتی هم این بار چنان محدود شده است که تأثیر زیادی در این واقعیت نخواهد داشت.

بر بنیاد این واقعیات، الگوی ریاضی من با الگوی منشوری آقای محبیان اختلاف فاحش دارد، من در آغاز رأی گیری یک هرم ده وجهی را در نظر دارم که هر یک از نامزدها در یکی از رؤس ده ضلعی قاعده آن قرار دارند. اما در جریان خواندن و شمارش آراء هر کدام با سرعت‌های کم و بیش در امتداد خطالرأس‌ها بالا می‌روند و در پایان شمارش آراء آقای خاتمی به رأس هرم رسیده‌اند در حالی که نه نفر دیگر به تفاوت در وسط یکی از خطالرأس‌ها کمی بالاتر یا پایین تر از هم قرار گرفته‌اند. بدین سان برای من مسلم است که آقای خاتمی در دور اول به ریاست جمهوری انتخاب خواهند شد و کار به دور دوم نخواهد کشید.

پانوش:

(۱) رسالت، شانزدهم اردیبهشت ۱۳۸۰